

**Statement of Principles Applicable to the
Formation of General Customary International
Law**

بیانیه اصول حاکم بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام

ترجمه دکتر محمدجعفر قنبری جهرمی

Dr. M. J. Ghanbari Jahromi

یادداشت مترجم:

بیانیه «انجمن حقوق بین‌الملل» (International Law Association) در خصوص «قواعد حاکم بر شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام» در شصت و نهمین کنفرانس انجمن که در تابستان سال ۲۰۰۰ در شهر لندن برگزار گردید، به عنوان بیانیه نهایی در این زمینه به تصویب رسید و در دسترس عموم علاقمندان قرار گرفته است.

قواعد مزبور ماحصل شانزده سال مطالعه، تحقیق و مشورت کمیته ویژه تحت عنوان «شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی عام» می‌باشد. در این کمیته، قضات ملی و بین‌المللی، حقوقدانان و اساتید برجسته حقوق بین‌الملل از اقصی نقاط جهان، مشارکت و همکاری داشته‌اند. کمیته در سال ۱۹۸۴ فعالیت خود را آغاز نمود و تا سال ۲۰۰۰ که با تهیه متن حاضر

مأموریتش خاتمه یافت، جمعاً شش گزارش موقت را تهیه و جهت بررسی و اظهارنظر در میان اعضا انجمن و در سطح وسیعی توزیع کرده بود. قواعد مربوط به «شکل گیری حقوق بین الملل عرفی عام» تنها مجموعه مدونی است که تاکنون در خصوص حقوق عرفی تهیه شده است. با توجه به این که صاحب نظران برجسته از نواحی مختلف جهان در تهیه آن فعالانه مشارکت داشته‌اند، می‌توان ادعا نمود که علی‌رغم پیروی قابل ملاحظه اش از مکتب پوزیتیویستی، رضایت طیف گسترده‌ای از حقوقدانان و مأموران و مشاوران دولتی درگیر در مسایل بین‌المللی را به دست آورده است. حداقل فایده مجموعه مقررات حاضر این است که می‌تواند کمک شایانی باشد به مدرسان و دانشجویان حقوق بین‌الملل تا با درک عمیق‌تر و شفافیت بیشتر مفاهیم و مباحث غالباً غامض و مبهم مرتبط با حقوق بین‌الملل عرفی را آموزش دهند یا بیاموزند.

مقررات پیشنهادی مندرج در بیانیه حاضر جمعاً در ۳۳ ماده تنظیم گردیده است. همانند پیش نویسهایی که توسط کمیسیون حقوق بین‌الملل سازمان ملل تهیه می‌شوند، برای هر یک از مواد توضیحات نسبتاً مبسوطی در راستای تفسیر و توجیه قاعده پیشنهادی ارائه شده است. در متن حاضر فقط متن مقررات مواد ترجمه و ارائه شده است. مترجم امیدوار است که بتواند در آینده نزدیک شرح مواد را نیز ترجمه و در اختیار علاقمندان قرار دهد.

در اینجا شایسته است که توضیح مختصری در مورد «انجمن حقوق بین‌الملل» که اخیراً شعبه ایرانی آن نیز تأسیس شده است، ارائه کنیم. این امر می‌تواند تا حدودی اعتبار و اهمیت بیانیه حاضر را تبیین نماید. انجمن

حقوق بین‌الملل در سال ۱۸۷۳ در کشور بلژیک به‌عنوان یک مؤسسه غیردولتی و غیرانتفاعی تأسیس گردید و مقر اصلی آن در شهر لندن است. انجمن در آغاز تحت عنوان «انجمن تدوین و اصلاح حقوق بین‌الملل» شروع به فعالیت کرد ولی در سال ۱۸۹۵ به نام فعلی تغییر نام داد. در طول حیات یکصد و بیست و هفت ساله خود، انجمن در تمامی زمینه‌های حقوقی اعم از حقوق بین‌الملل عمومی و خصوصی، بازرگانی و ... فعالیت‌های بسیار گسترده‌ای داشته است و به جرأت می‌توان گفت که انجمن نقش کلیدی در توسعه و استقرار حقوق بین‌الملل و ایجاد نظام صلح بین دولتها داشته است.

هم‌اکنون انجمن در قالب ۴۲ کمیته ویژه تخصصی معضلات خاص و جاری حقوق بین‌الملل را تحت مطالعه و تحقیق دارد. این کمیته‌ها تحت سه عنوان کلی «مالیه بین‌المللی و توسعه پایدار»، «تجارت جهانی و حقوق اقتصادی» و «دادرسی خصوصی بین‌المللی» در کنفرانس سال ۲۰۰۰ انجمن مسائل متعددی را بررسی کردند*.

در حال حاضر در حدود ۵ هزار حقوقدان، قاضی، وکیل و دانشجوی حقوق در عضویت انجمن می‌باشند. هر ذی‌علاقه‌ای با پرداخت حق عضویت می‌تواند به عضویت انجمن درآید. انجمن در حال حاضر دارای ۵۳ شعبه است که در سراسر جهان قرار دارند. علاقمندان جهت عضویت باید از طریق شعب نزدیک محل اقامتگاه خود اقدام نمایند.

* جهت اطلاعات بیشتر در خصوص انجمن و فعالیت‌های آن مراجعه شود به:

The International Law Association, Report of 69th Conference, London, 2000.

آدرس اینترنتی انجمن عبارت است از:

<http://www.ila-hg.org>.

**Statement of Principles Applicable
to the Formation of General
Customary International Law**

بیانیه اصول حاکم بر شکل گیری
حقوق بین الملل عرفی عام

PART I: DEFINITIONS

بخش نخست - تعاریف

1. Working definition

ماده ۱ - تعریف کاربردی.

(i) Subject to the Sections which follow, a rule of customary international law is one which is created and sustained by the constant and uniform practice of States and other subjects of international law in their international legal relations, in circumstances which give rise to a legitimate expectation of similar conduct in the future.

الف. منوط به مقررات مندرج در مواد آتی،
قاعده حقوق بین الملل عرفی آن است که با
رویه مداوم و یکسان دولتها و سایر تابعان
حقوق بین الملل در روابط حقوقی بین المللی
شان، در شرایطی که موجب پیدایش توقعی
مشروع از اعمال رویه‌ای مشابه در آینده
شود، ایجاد گردیده و دوام می یابد.

(ii) If a sufficiently extensive and representative number of States participate in such a practice in a consistent manner, the resulting rule

ب. چنانچه تعداد لزوماً فراوان و نمادین از
دولتها، بنحوی ثابت و مستمر، در چنین
رویه‌ای مشارکت نمایند، قاعده ایجاد شده
یک قاعده «حقوق بین الملل عرفی عام»

is one of “general customary international law”. Subject to Section 15, such a rule is binding on all States.

است. منسوط به مقرره ماده ۱۵، چنین قاعده‌ای برای همه دولتها الزام‌آور است.

(iii) Where a rule of general customary international law exists, for any particular State to be bound by that rule it is not necessary to prove either that State’s consent to it or its belief in the rule’s obligatory or (as the case may be) permissive character.

ج. در جایی که یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی عام موجودیت داشته باشد، جهت الزام‌آور بودن آن قاعده برای یک دولت بخصوص، ضرورتی ندارد که رضایت دولت مزبور بدان قاعده یا اعتقاد حقوقی به الزام‌آور بودن و یا (بسته به مورد) اختیاری بودن آن قاعده، اثبات شود.

2. Use of terms

ماده ۲- کاربرد اصطلاحات.

(i) In this Statement, “rule(s)” includes principles.

الف. در این بیانیه، واژه «قاعده» یا (قواعد)، شامل اصول نیز می‌گردد.

(ii) “(Customary) rule” or “rule of customary (international) law” in this Statement means a rule of general customary international law, unless

ب. «قاعده عرفی» یا «قاعده حقوق بین‌الملل عرفی»، در این بیانیه، به معنی یک قاعده حقوق بین‌الملل عرفی عام است مگر اینکه سیاق کلام معنی دیگری

the context otherwise requires.

را ایجاب نماید.

(iii) In this Statement, “customary (international) law” refers to the corpus of such individual rules.

ج. در این بیانیه، «حقوق بین الملل عرفی» به مجموعه ای از قواعد مذکور در بند ب اشاره دارد.

(iv) In this Statement, “(State) act(s)”, “conduct”, “behaviour” or “usage” are wholly neutral terms, entailing no judgment as to whether the acts or omissions in question are declaratory or constitutive of a rule of customary law, or neither. “Act” connotes a single instance of conduct; the other terms may, as the context requires, connote either a single instance or a course of conduct.

د. در این بیانیه، «عمل (یا اعمال) دولت»، «رفتار»، «کردار» یا «عادت»، واژه‌هایی کاملاً خنثی هستند و مستلزم هیچ حکمی در مورد اینکه آیا فعل یا ترک فعل مورد نظر، اعلامی، تأسیسی-یا هیچ یک از این دو - قاعده حقوق عرفی است یا خیر، نیستند. واژه «عمل»، به دلالت التزامی، به معنی مصداقی از رفتار است. سایر واژه‌ها، بسته به اقتضای سیاق کلام، ممکن است به دلالت التزامی، یا به معنی مصداقی از رفتار باشد یا مبین رفتارهایی پی در پی.

(v) In this Statement, “(State) practice” is similar to (iv) above, save that there is an implication that the conduct is of such a kind that it may

ه. در این بیانیه، واژه «رویه دولت»، حائز همان معانی است که در بند (د) بیان شد. با این تفاوت که در مورد این واژه دلالت ضمنی وجود دارد حاکی از اینکه رفتار

مورد نظر از نوعی است که می‌تواند در شرایط مناسبی به وجود یک قاعده عرفی گواهی دهد و یا به شکل‌گیری آن کمک نماید.

in appropriate circumstances evidence, or contribute to the formation of, a customary rule.

و. در این بیانیه، «عادت محض» یا «نزاکت محض»، به معنی رفتاری است، که اگرچه احتمالاً یکسان و مستمر می‌باشد لیکن مبین یا موجد قاعده عرفی نیست.

(vi) In this Statement, “mere usage” or “(mere) comity” means conduct which, whilst possibly constant and uniform, does not reflect or constitute a customary rule.

ز. در این بیانیه، واژه «دولت یا دولت‌ها» در جایی که مناسبت داشته‌باشد، شامل سازمانهای بین‌الدولی نیز می‌گردد.

(vii) In this Statement “State(s)” includes, where appropriate, intergovernmental organizations.

ح. در این بیانیه واژه «منبع یا منابع حقوقی»، به نحوی استعمال شده است که به فرآیند یا روشهایی که بوسیله آنها قواعد حقوق، بسته بمورد، ایجاد یا معین می‌گردند، اشاره دارد.

(viii) In this Statement, the term “source(s) of law” is used to denote the processes or means by which rules of law are created or, as the case may be, determine

PART II: THE OBJECTIVE ELEMENT: بخش دوم - عنصر عینی (رویه دولت)

A. WHAT TYPES OF ACT CONSTITUTE STATE PRACTICE? الف. چه نوع عملی رویه دولت محسوب می شود؟

3. When defining State practice - the objective element in customary law - it is necessary to take account of the distinction between what conduct counts as State practice, and the weight to be given to it. ماده ۳- هنگام تعریف رویه دولت - یعنی عنصر عینی در حقوق عرفی - لازم است که به تفکیک میان رفتاری که به عنوان «رویه دولت» محسوب می گردد و ارزشی که به آن داده می شود؛ توجه شود.

4. Verbal acts, and not only physical acts, of States count as State Practice. ماده ۴ - نه تنها اعمال مادی دولتها بلکه اظهارات آنها نیز بعنوان رویه دولت لحاظ می شوند.

5. Acts do not count as practice if they are not public. ماده ۵ - چنانچه اعمال آشکار نباشند، بعنوان «رویه دولت» لحاظ نخواهند شد.

6. In appropriate circumstances, omissions can count as a form of State practice. ماده ۶ - در شرایط مناسب، ترک فعل می تواند بعنوان شکلی از رویه دولت لحاظ

State practice. شود.

B. THE “STATE” FOR THE PURPOSE OF IDENTIFYING STATE PRACTICE ب. معنی واژه «دولت» به منظور تشخیص رویه دولت.

7. Acts of individuals, corporations etc. do not count as State practice, unless carried out on behalf of the State or adopted (“ratified”) by it. ماده ۷ - اعمال افراد، شرکتها و غیره بعنوان رویه دولت قلمداد نمی گردند مگر اینکه به نیابت از جانب دولت انجام گرفته باشند یا اینکه مورد پذیرش (یا تصویب) دولت واقع شده باشند.

8. The activities of territorial governmental entities within a State which do not enjoy separate legal personality do not as such normally constitute State practice, unless carried out on behalf of the State or adopted (“ratified”) by it. ماده ۸ - فعالیتهای درون کشوری واحدهای دولتی [سرزمینی] که از شخصیت مستقل حقوقی برخوردار نیستند؛ معمولاً بعنوان رویه دولت لحاظ نمی گردند مگر اینکه به نیابت از جانب دولت انجام گرفته باشند یا اینکه مورد پذیرش (یا تصویب) دولت واقع شده باشند.

9. The practice of the executive, legislative and judicial organs of the State is to be considered as State می گردد.

practice.

10. Although international courts and tribunals ultimately derive their authority from States, it is not appropriate to regard their decisions as a form of State practice.

ماده ۱۰- اگرچه دادگاهها و دیوانهای بین‌المللی در نهایت اقتدار خود را از دولتها کسب می‌نمایند، صحیح نیست که به تصمیمات آنها بعنوان شکلی از رویه دولت نگریسته شود.

11. The practice of intergovernmental organizations in their own right is a form of "State practice".

ماده ۱۱- رویه سازمانهای بین‌الدولسی به اعتبار [شخصیت] خودشان شکلی از «رویه دولت» است.

C. THE DENSITY OF THE PRACTICE.

ج. گستره رویه.

12. (i) General customary international law is created by State practice which is uniform, extensive and representative in character. These three requirements are dealt with in Sections 13-15.

ماده ۱۲- الف. حقوق بین‌الملل عرفی عام، توسط رویه یکسان، فراگیر دولتها که ویژگی نمادین دارد؛ ایجاد می‌گردد. لوازم سه گانه مزبور در مواد ۱۳ تا ۱۵ مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

(ii) Although normally some time

ب. اگرچه به منظور حصول این لوازم

will elapse before there is sufficient practice to satisfy these criteria, no precise amount of time is required. معمولاً مدت زمانی پیش از ظهور رویه مکفی سپری می شود، لیکن [علی الاصول] سپری شدن هیچ دوره زمانی معینی ضرورت ندارد.

13. For State practice to create a rule of customary law, it must be virtually uniform, both internally and collectively. "Internal" uniformity means that each State whose behaviour is being considered should have acted in the same way on virtually all of the occasions on which it engaged in the practice in question. "Collective" uniformity means that different States must not have engaged in substantially different conduct, some doing one thing and some another. ماده ۱۳- برای اینکه رویه دولت یک قاعده حقوق عرفی را بوجود آورد، لازم است که آن رویه هم بطور انفرادی و هم بطور جمعی یکسان باشد. منظور از یکسان بودن «انفرادی» این است که دولتی که رفتارش مورد توجه قرار می گیرد، در تمام وقایعی که با رویه مورد بررسی درگیر بوده، واقعاً یک جور عمل نموده باشد. منظور از یکسان بودن «جمعی» این است که دولتهای مختلف نباید اساساً رفتاری متفاوت از خود بروز دهند، یعنی برخی کاری را انجام دهند و برخی دیگر کاری دیگر را.

14. (i) For a rule of general customary international law to come ماده ۱۴- الف. بمنظور اینکه یک قاعده حقوق عرفی عام بین المللی بوجود آید لازم

است که رویه دولتها هم فراگیر و هم نمادین باشد و در عین حال لازم نیست که جهانشمول باشد. into existence, it is necessary for the State practice to be both extensive and representative. It does not, however, need to be universal.

ب. منوط به قواعد مربوط به اعتراض دائمی مندرج در ماده ۱۵، بمنظور التزام دولتی به یک قاعده حقوق بین الملل عرفی عام، لازم نیست اثبات شود که آن دولت بخصوص فعالانه در آن رویه مشارکت داشته است یا این که آگاهانه به آن رضایت داده است. (ii) Subject to the rules about persistent objection in Section 15 below, for a State to be bound by a rule of general customary international law it is not necessary to prove that that particular State participated actively in the practice or deliberately acquiesced in it.

ماده ۱۵- چنانچه قبل از اینکه یک رویه به یک قاعده حقوق عام تبدیل گردد، دولتی مصرانه و آشکارا با آن قاعده مخالفت نماید، ملتزم بدان نخواهد بود. 15. If, before a practice develops into a rule of general law, a State persistently and openly dissents from the rule, it will not be bound by it.

PART III: THE SUBJECTIVE [بخش سوم - عنصر ذهنی] اعتقاد حقوقی
ELEMENT

16. A belief, on the part of the **generality of States, that a practice satisfying the criteria set out in Part II is legally obligatory or, as the case may be, permissible (opinio juris sive necessitatis) is sufficient to prove the existence of a binding rule of customary international law; but it is not (subject to Section 17) usually necessary to the formation of such a rule to demonstrate that such a belief exists, either generally or on the part of any particular State.**

ماده ۱۶- وجود اعتقاد از طرف کلیت دولتها حاکی از اینکه رویه ای که شرایط مندرج در بخش دوم را داراست؛ قانوناً الزام آور بوده یا بسته بمورد مجاز است (اعتقاد حقوقی یا ضرورت وجود آن)، بمنظور اثبات وجود یک قاعده الزام آور حقوق بین الملل عرفی کافی است. اما (منوط به مقرر ماده ۱۷) معمولاً برای شکل گیری چنین قاعده ای لازم نیست که وجود اعتقاد مزبور چه از طرف کلیت دولتها و چه از جانب دولتی خاص، اثبات گردد

17. Nevertheless, in certain circumstances an assumption, belief, or taking of position on the part of States that certain conduct can not or does not give rise to a legal obligation can prevent that conduct

ماده ۱۷ - با این وجود، در شرایطی خاص پنداشت، اعتقاد یا موضع گیری دولتها حاکی از اینکه برخی از رفتارها نمی توانند منجر به یک تعهد حقوقی شوند یا [اساساً] این قابلیت را ندارند؛ می تواند مانع تأثیر آن رفتار در شکل گیری یک قاعده حقوق

عرفی شود. from contributing to the formation of
a rule of customary Law.

(i) Some practices (acts of mere comity), even though regularly observed, are treated by States as being by their nature outside the sphere of legal relations. الف. دولتها برخی رویه‌ها (یعنی اقدامات مبتنی بر نزاکت محض) را، اگرچه که مرتباً هم رعایت شوند، بلحاظ طبیعتشان خارج از قلمرو روابط حقوقی لحاظ می‌کنند.

(ii) Some practices would in theory be capable of giving rise to customary rules, but for an understanding on the part of States as a whole that they do not in fact do so. ب. برخی از رویه‌ها از لحاظ نظری می‌توانند به پیدایی قواعد عرفی منتهی شوند اما به جهت وجود برداشتی دسته جمعی از جانب کلیت دولتها ممکن است در واقع امر چنین نتیجه‌ای را بیار نیابند.

(iii) Some specific instances of State practice would be capable of giving rise to a customary rule, but for a disclaimer on the part of those performing them. ج. برخی موارد خاص رویه دولت قابلیت منتهی شدن به یک قاعده عرفی را دارند اما بدلیل اینکه توأم با انکار [مسئولیت] از سوی دولتهای ذی ربط انجام پذیرفته‌اند ممکن است قابلیت خود را از دست بدهند.

(iv) Some conduct is too ambiguous د. برخی از رفتارها آنقدر مبهم هستند که

to be treated, without more, as بخودی خود نمی‌توانند به عنوان نوعی سابقه که قابلیت تأثیر بر شکل‌گیری یک قاعده عرفی را دارند، لحاظ شوند. در چنین مواردی رفتار مزبور فقط در صورتی لحاظ می‌شود که شواهد مثبتی حاکی از اینکه دولت یا دولت‌های ذی‌ربط قصد نموده‌اند یا اینکه چنین توافق داشته یا پذیرفته‌اند که یک قاعده عرفی می‌تواند از رفتار مزبور ناشی شود یا حاصل گردد، وجود داشته‌باشد.

18. Whilst the will or consent of a particular State that a practice satisfying the criteria set out in Part II shall be legally binding (or, as the case may be, permissible) is sufficient to bind that State to a corresponding rule of customary international law, it is not generally necessary to prove that such consent has been given by a State for it to be bound by the rule in question, subject ماده ۱۸- در حالی که اراده یا رضایت دولت خاصی حاکی از اینکه رویه برخوردار از شرایط مشروح در بخش دوم [این بیانیه] قانوناً الزام آور است (یا بسته بمرور مجاز است) برای التزام آن دولت به قاعده مربوط حقوقی بین‌الملل عرفی کافی است؛ بطور کلی، منوط به مقرر ماده ۱۵، لازم نیست که رضایت دولت مزبور به التزام بدان قاعده به اثبات رسد. همچنین لازم نیست که رضایت عمومی دولت‌ها به اثبات رسد.

to Section 15. Neither is it necessary to prove the consent of States generally.

19. It appears that, in the conduct of States and international courts and tribunals, a substantial showing of acceptance (consent or belief) by States that a customary rule exists may compensate for a relative lack of practice, and vice versa.

ماده ۱۹- به نظر می رسد که در رفتار دولتها، دادگاهها و دیوانهای بین المللی تجلی اساسی از پذیرش (رضایت یا اعتقاد) از سوی دولتها حاکی از اینکه یک قاعده عرفی وجود دارد، می تواند فقدان نسبی رویه را جبران نماید و بالعکس.

PART IV: THE ROLE OF TREATIES IN THE FORMATION OF CUSTOMARY INTERNATIONAL LAW

بخش چهارم - نقش معاهدات در شکل گیری حقوق بین الملل عرفی.

I. Treaties as Evidence of Pre-existing Customary Law.

الف. معاهدات بعنوان گواه حقوق عرفی از پیش موجود.

20. There is no general presumption that a treaty codifies existing customary international law.

ماده ۲۰- هیچ اماره کلی حاکی از اینکه یک معاهده حقوق بین الملل عرفی موجود را تدوین می کند، وجود ندارد.

21. Section 20 does not, however, exclude the possibility of a treaty containing specific provisions which do represent existing customary law; it is a question in each case of examining the evidence. ماده ۲۱- در عین حال ماده ۲۰ این احتمال که معاهده‌ای حاوی مقررات خاصی است که در واقع بیانگر حقوق عرفی موجود است، را نفی نمی نماید. این مسأله در هر مورد به بررسی دلایل [یا مستندات] بستگی دارد.
22. The fact that a treaty permits reservations to all or certain of its provisions does not of itself create a presumption that those provisions are not declaratory of existing customary law. ماده ۲۲- اینکه یک معاهده اعمال شرط نسبت به همه یا بخشی از مقرراتش را مجاز می داند بخودی خود این قرینه را که مقررات مزبور اعلام کننده حقوق عرفی موجود نیستند، بوجود نمی آورد.
23. A treaty concluded in order to settle a specific dispute or difficulty between States does not of itself provide any indication that the general customary law is (or is not) the same as that laid down in the treaty. The same applies to a succession of such treaties. ماده ۲۳- معاهده ای که بمنظور حل و فصل اختلاف یا معضلی معین منعقد شده است بخودی خود دلیل بر یکسان بودن یا نبودن حقوق عرفی عام یا مقررات مندرج در معاهده نیست. همین قاعده در مورد توالی چنین معاهداتی نیز اعمال می گردد.

B. Treaties and the Formation of (New) Customary Law ب. معاهدات و شکل گیری حقوق عرفی جدید.

24. Multilateral treaties can provide the inspiration or model for the adoption of new customary rules through State practice. In other words, they can be the historic ("material") source of a customary rule. However, there is no presumption that they do so. Conduct which is wholly referable to the treaty itself does not count for this purpose as practice: though see Part IV (C) and (D).

ماده ۲۴ - معاهدات چندجانبه می توانند منشأ یا الگویی برای پذیرش قواعد عرفی جدید از طریق رویه دولتها گردند. عبارت دیگر می توانند منبع تاریخی (مادی) یک قاعده عرفی باشند. با این وجود هیچ اماره‌ای حاکی از اینکه همواره چنین اثری دارند، وجود ندارد. رفتاری که کاملاً با استناد به خود معاهده صورت می‌پذیرد بدین منظور، بعنوان رویه لحاظ نمی‌شود. (در عین حال رجوع کنید به بندهای «ج» و «د» بخش چهارم [در پایین].)

25. There is no presumption that a succession of similar treaty provisions gives rise to a new customary rule with the same content.

ماده ۲۵ - هیچ اماره‌ای وجود ندارد که یک سلسله از معاهدات یا مقررات مشابه منجر به ایجاد یک قاعده عرفی جدید با محتوای مشابه گردد.

C. The “crystallization” by treaties of emerging customary international law. ج. «شفافیت» حقوق بین‌الملل عرفی در حال ظهور توسط معاهدات.

26. Multilateral treaties can assist in the so-called “crystallization” of emerging rules of customary international law. But there is no presumption that they do. ماده ۲۶- معاهدات چندجانبه ممکن است به فرآیند به اصطلاح «شفافیت» قواعد در حال ظهور حقوق بین‌الملل عرفی یاری رسانند. اما هیچگونه اماره‌ای حاکی از اینکه چنین تأثیری دارند، وجود ندارد.

D. Treaties giving rise to customary rules “of their own impact”. د. پیدایش قواعد عرفی «به موجب تأثیر مستقیم معاهدات»

27. In exceptional cases, it may be possible for a multilateral treaty to give rise to new customary rules (or to assist in their creation) “of its own impact” if it is widely adopted by States and it is the clear intention of the parties to create new customary law. But such an occurrence will be extremely rare, and is to be presumed not to have occurred. ماده ۲۷- در موارد استثنایی، ممکن است معاهده چندجانبه موجب شود که قواعد عرفی جدید، تحت تأثیر مستقیم آن ظهور نمایند، (یا اینکه به ایجاد آنها کمک نماید) مشروط بر آنکه معاهده مزبور از سوی دولتها مورد پذیرش گسترده قرار گرفته و قصد اطراف معاهده، به روشنی این باشد که قاعده عرفی جدید، ایجاد گردد. ولی وقوع چنین امری بسیار نادرست است و اماره، عدم وقوع آن است.

PART V: THE ROLE OF RESOLUTIONS OF THE UN GENERAL ASSEMBLY AND OF INTERNATIONAL CONFERENCES IN THE FORMATION OF CUSTOMARY INTERNATIONAL LAW

بخش پنجم - نقش قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل و کنفرانسهای بین‌المللی در شکل‌گیری حقوق بین‌الملل عرفی.

A. RESOLUTIONS OF THE UN GENERAL ASSEMBLY

الف. قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل.

28. As explained in Sections 29-32, resolutions of the United Nations General Assembly may in some instances constitute evidence of customary international law; help to crystallize emerging customary law; or contribute to the formation of new customary law. But as a general rule, and subject to Section 32, they do not ipso facto create new rules of customary law.

ماده ۲۸ - همانطور که در مواد ۲۹ تا ۳۲ توضیح داده خواهد شد، قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل در برخی موارد ممکن است بعنوان دلیل حقوق بین‌الملل عرفی محسوب شوند؛ به شفافیت حقوق عرفی در حال ظهور کمک نمایند؛ یا اینکه در تشکیل حقوق عرفی جدید موثر باشند. ولی بعنوان یک قاعده کلی و منوط به مقرر ماده ۳۲، آنها بخودی خود نمی‌توانند قواعد جدید حقوق عرفی را ایجاد نمایند.

29. Resolutions of the General Assembly expressly or impliedly asserting that a customary rule exists constitute rebuttable evidence that such is the case.

ماده ۲۹- قطعنامه های مجمع عمومی که بطور صریح یا ضمنی وجود یک قاعده عرفی را عنوان می کنند، دلیل قابل ردی بر وجود آن قاعده محسوب می شوند.

30. Resolutions of the General Assembly can (but do not necessarily) constitute a material (historic) source of new customary rules.

ماده ۳۰- قطعنامه های مجمع عمومی می توانند (ولی نه ضرورتاً) بعنوان منبع مادی (تاریخی) قواعد عرفی جدید محسوب شوند.

31. Resolutions of the General Assembly can in appropriate cases themselves constitute part of the process of formation of new rules of customary international law.

ماده ۳۱- قطعنامه های مجمع عمومی می توانند در موارد مقتضی خود بخشی از فرآیند شکل گیری قواعد جدید حقوق بین الملل عرفی را تشکیل دهند.

32. Resolutions adopted unanimously or almost unanimously, and which evince a clear intention on the part of their supporters to lay down a rule of

ماده ۳۲- قطعنامه هایی که با اتفاق آراء یا قریب به اتفاق آراء به تصویب می رسند و مبین قصد آشکار حامیانشان دائر بر وضع یک قاعده حقوق بین الملل هستند، بطور

international law, are capable, استثنایی قابلیت ایجاد حقوق عرفی عام، را
 exceptionally, of creating general به صرف تصویبشان به دست می آورند.
 customary law by the mere fact of
 their adoption.

B. RESOLUTIONS OF ب. قطعنامه های کنفرانسهای عمومی
GENERAL INTERNATIONAL بین المللی
CONFERENCES.

33. Mutatis mutandis, the same ماده ۳۳- همان قواعد مربوط به
 principles apply to the resolutions of قطعنامه های مجمع عمومی، با تغییرات
 general international conferences as جزئی و ضروری، بر قطعنامه های
 apply to resolutions of the UN کنفرانسهای عمومی بین المللی نیز اعمال
 General Assembly. می گردند.